

# آهنگی زبان فارسی

## بقلم آقای فوادی

معلم محترم فارسی در مدارس نظام

### ۱- آهنگ لفظی

در تلفظ کلماتیکه بیشتر از يك هجا داشته باشند عادة صدا را روی یکی از آنها بالنسبه بلند تر میکنیم مثلا در کلمه (فراهم = ف - را - هم) هجای سوم و در کلمه (چرا؟ استفهامی = چ - را) هجای اول و در کلمه (چرا از مصدر چریدن = چ - را) هجای دوم بلندتر تلفظ میشود. این بلندی صدا را **آهنگ** و در زبان فرانسه **آکسان** Accent میگویند.

زبانی نیست که کلماتش دارای آهنگ نباشد و در کلمات يك هجائی (مانند من - یغ - گوی - بخت) بدیهی است که آهنگ در همان يك هجا نیز وجود دارد. در موقع گوش دادن بزبان اجنبی شخص شنونده فقط هجا های آهنگ دار کلمات را میتواند تشخیص دهد زیرا هجای بدون آهنگ صریحاً محسوس نیست.

آهنگ یکی از عوامل مهم تشکیل لهجه است مثلا کلمات جمله **حسین آمد** را در طهران اینطور تلفظ میکنند (توضیح: هر جا علامت + باشد آهنگ را قبل از آن قرار دهید) **حسین + آمد +** لکن در یزد طور دیگر: **ح + سین + آ + مد** (در لهجه یزدی آ را باید اول تلفظ کرد). بهمین جهت است که خارجیها هر قدر هم فارسی را خوب بدانند و در محاوره مهارت داشته باشند چون آهنگ آن را صحیح فرا نمیگیرند نمیتوانند مثل يك نفر فارسی زبان حرف بزنند مگر آنکه از طفولیت تلفظ کلمات فارسی با آهنگ آن برای ایشان عادت شده باشد.

گوش بطرز تلفظ و آهنگ کلمات عادت میکنند بدینجهت آهنگ روی هر هجائی واقع شود ثابت میماند و اگر تصادفاً آن را در غیر موقع استعمال کنند باصلاح گوش را میخراشد مثلا در موقع صحبت اتفاق میافتد که گوینده بواسطه عدم توجه یا تأثیر ناگهانی یا عطسه و سرفه و خمیازه و امثال اینها آهنگ را در غیر محل تلفظ میکند و بدینواسطه شنونده را موجب شگفت و تبسم میگردد.

این قسم آهنگ را که در فوق شرح دادیم و عبارت از بلند کردن صدا روی یکی از هجا های کلمه است بنظر نگارنده باید آهنگ لفظی نامید (زیرا ده نوع آهنگ دیگر نیز در زبان هست که بعداً بذکر آن خواهیم پرداخت).

### مقایسه آهنگ لفظی در فارسی و چند زبان دیگر

در زبان معمولی فارسی آهنگ بطور کلی روی هجای آخر کلمه است (منده + نشسته + ساعتسازی +) مگر در موقع ضرورت که برای رفع التباس محل

آهنگ تغییر میکنند (مثلا در صورتیکه دو کلمه دارای يك مجموع الفاظ باشند و مجبوریم بواسطه آهنگ آنها را تمیز و تشخیص دهیم مانند دو کلمه چرا؟ استهامي و چرا از مصدر چریدن) مثلا در دو جمله ذیل کلمه (بز) بواسطه اختلاف معنی دو نوع آهنگ دارد:

۱ - دست بکاری بز که نتیجه داشته باشد. ۲ - بنظر حقارت بز نگاه نکنید.

برای روشن شدن مطالب چند مثال دیگر ذکر میکنیم:

۱ - در فارسی یاء وحدت را از یاء نسبت بواسطه آهنگ تشخیص میدهیم مثلا در جمله (خدا روزی + میدهد) آهنگ روی هجای آخر کلمه (روزی +) قرار میگیرد (یاء نسبت) لکن در جمله (رو + زی مرد + ی را دیدم) آهنگ در هجای ماقبل آن واقع میشود. از این رو قاعده ذیل بدست میآید که هر گاه یاء وحدت در آخر کلمه بیاید هجای ماقبل آخر کلمه باید با آهنگ تلفظ شود مثل مر + دی - ثروتمن + دی - سرزمی + بی وغیره .

۲ - چون لفظ (می) در اول فعل مضارع و ماضی استمراری هر دو میآید برای تشخیص زمان آهنگ کلمه مضارع روی (می) قرار میگیرد مثل می + روم - می + روید - می + روند. لکن در ماضی روی (می) آهنگ قرار نمیگیرد مثل: میرفت + میرف + تند. گرچه این اختلاف در فارسی امروز چندان رعایت نمیشود لکن در بعضی ناط ایران همچین در زبان تاجیکها تا امروز هم رعایت میشود.

۳ - بواسطه اتصال بضمیر يك هجا بر کلمه اضافه میشود لکن آهنگ کلمه بقانون کلی که قبل از اتصال بضمیر قرار میگرفته ثابت است پس در صورت اتصال بضمیر آهنگ کلمه روی هجای ماقبل آخر است مثل رف + تم - گنش + تید باین واسطه تشخیص میدهیم که ضمیر جزء اصلی کلمه نیست و مثلا کلمه خورشید + و رف + تید را که هر دو در آخر به (ید) منتهی میشوند لکن این جزء در کلمه اول اصلی است باهم در این قسمت اشتباه نکنیم.

۴ - برای آنکه ب زینت با ب حرف اضافه اشتباه نشود روی اولی آهنگ قرار میگیرد مثل ب + گو - ب + یاورید - ب + رفت لکن ب حرف اضافه چون بر کلمه داخل شود موجب خارج شدن آن از قانون کلی آهنگ نمیکرد مثل بهمراهی + - بررد +

۵ - اگر در آخر کلمه حرف ندا درآید يك هجا بر کلمه اضافه میشود لکن کلمه دارای آهنگ اولی خواهد بود خداوند گدا + را داد + ما تا معلوم شود که این الف ندا جزو حرف اصلی کلمه نیست و کلمه منادی با امثال کلمات بینا - شنوا - اهورامزدا و غیره که الف آخر آنها الف ندا نیست اشتباه نشود.

نظائر پنج مثال فوق در زبان ما بقایت کم است و شماره آن شاید بنده نرسد و قانون کلی همان است که در فوق گفتیم که آهنگ لفظی در زبان فارسی معمولی روی هجای آخر کلمه است.

راجم باهنگ لفظی کلمات عربی نگارنده گمان میکند که مانند فارسی يك قاعده کلی و ساده در دست نباشد بنا بر این فرا گرفتن و ضبط آهنگ کلمات عرب از فارسی مشکل تر است.

مثلا بعضی جاهادر کلماتیکه ازدوهجاءتجاوز نماید آهنگ لفظی روی هجای سوم  
ماقبل آخر کلمه قرار میگیرد یعنی هجا های کلمه را از آخر میشماریم و آهنگ را  
روی سومی قرار میدهیم مثل محم + مد (م - ح - م - د) یز + هب ( یز - هب - ه  
- ب) مستن + طق (مس - تن - ط - ق).  
در غالب مصادر عربی آهنگ لفظی روی هجای ماقبل آخر قرار میگیرد مثل  
استقرا + ر - انهدا + م - رضوا + ن .  
در کلمات دوهجائی آهنگ روی هجای اول واقع میشود مثل صع + ب -

زج + ر .

در جمع مذکر و مؤنث سالم آهنگ روی هجای ماقبل آخر قرار میگیرد  
مثل مسلمو + ن - مؤمنو + ت .

بدیهی است که یکنفر فارسی زبان در کلمات عربی که وارد زبان ماشده رعایت  
این قواعد را نمینماید بلکه تلفظ این قبیل کلمات را تابع قانون کلی زبان فارسی میگرداند .  
در زبان انگلیسی غالباً آهنگ روی هجای اول اسم و هجای دوم صفت و  
هجای آخر فعل قرار میگیرد. يك کلمه ممکن است هم اسم هم صفت هم فعل باشد و  
فقط با آهنگ شناخته میشود مثل Con + sult = شور - مشاوره (اسم) + to consult  
= شور کردن (فعل) Con + flict = جدال (اسم) + Con + flict = مصادم  
(صفت) + to Con + flict = زدوخورد کردن - جدال کردن - مصادمه .

در زبان فرانسه آهنگ لفظی روی هجای آخر در زبان چك روی هجای اول  
و در زبان اهل لهستان روی هجای ماقبل آخر کلمه است .  
قانون آهنگ لفظی در ترکی تقریباً مثل فارسی است .

در زبان روسی بنای آهنگ بر سماع است وقانون کلی ندارد با تغییر محل  
آهنگ نه تنها معنی کلمه بلکه مناسبت لغوی آن هم نسبت بکلمه متشابه اللفظ تغییر میکند  
مثلا : Vedi + = آب (مضاف الیه) - ve + di = آبها (جمع) + muka = آرد  
mu + ka = رنج - اذیت. هر کلمه را باید شنید یا علامت آهنگ آن را دید والا قانونی  
در دست نیست که از روی قیاس در باره آن بتوان حکم نمود .

### ب - آهنگ منطقی

علاوه بر آهنگ لفظی که قبلا بد کرد آن پرداختیم در زبان آهنگ دیگری  
هم وجود دارد که آن را آهنگ منطقی می گویند. که بواسطه آن صدا را روی یکی  
از کلمات جمله بلند میکنیم . مثلا در جمله (رفیق تنهائی کتاب است ) کلمه ( کتاب ) نسبت  
بساير کلمات جمله بلند تر یا آشکار تر تلفظ میشود .

اگر کسی بیرسد (رفیق چه ؟ ) و ما جواب دهیم (رفیق تنهائی کتاب است)  
کلمه ( تنهائی ) دارای آهنگ منطقی است . در جمله ( من کتاب گلستانرا میخوانم )  
آهنگ منطقی روی کلمه ( گلستان ) است . لکن در جواب سؤال ( که گلستان را  
میخواند ) در جمله ( من کتاب گلستانرا میخوانم ) کلمه ( من ) دارای آهنگ منطقی است .

بواسطه آهنگ منطقی مقامی که کلمه در جمله داراست بیان میشود. بعبارة اخرى آنچه بیشتر مورد توجه فکر است و بوسیله کلمه اظهار میشود در لفظ دارای آهنگ منطقی است. مثلا در جمله (من تشنه ام) کلمه (تشنه) دارای آهنگ منطقی است و در جمله (من خیلی تشنه ام) کلمه (خیلی) دارای آن آهنگ میباشد. آهنگ لفظی منتهای شدت صوت است روی هجای کلمه و آهنگ منطقی شدت صوت است روی یکی از کلمات جمله. آهنگ لفظی زاده عادت و ضرورت تکلم و آهنگ منطقی نماینده فکر است. هر کلمه که دارای آهنگ منطقی باشد مضاعف است یعنی یکی از هجاهای آن (واگر یک هجائی باشد خود آن) آهنگ لفظی و خودش آهنگ منطقی دارد.

### ج - آهنگ موسیقی

علاوه بر دو آهنگ لفظی و منطقی که بواسطه شدت صوت ظاهر میشود آهنگ موسیقی هم در کلام موجود است و آن بوسیله ارتفاع صوت صورت میگیرد، یعنی قات و کترت ارتعاش حنجره آن را ظاهر میسازد. بواسطه آهنگ موسیقی مقام جمله در کلام تعیین میگردد. آهنگ موسیقی نماینده عواطف و احساسات است، تمایل و توجه کویونده را بیان میکند. مثلا در جمله سئوالیه (جای میل دارید؟) آهنگ موسیقی در آخر شنیده میشود و در جمله جوابیه (خیر آقا میل ندارم) آهنگ در وسط آن بیان میگردد.

در جمله های سئوالیه فارسی آهنگ موسیقی در آخر جمله است. همچنین در ترکی آهنگ موسیقی در آخر جمله است. جمله های فارسی و ترکی رامیتوانیم باخط مستقیمی نمایش دهیم که آخر آن مبدل بخط مایل میگردد. لکن در جمله های سئوالیه روسی معمولا آهنگ موسیقی در وسط جمله است و آن را میتوان با خط مستقیمی نمایش داد که در وسط آن دو ضلع متاثر قرار گرفته باشد. مثال:

Pozvolt gospedin, (kotori teper tchas) (بفرمائید آقا ساعت چند است؟) که آهنگ روی کلمه «Kotori» قرار میگیرد. در عربی چون ادوات استفهام در اول جمله میآید، آهنگ موسیقی نیز در اول قرار میگیرد. در جمله های سئوالیه انگلیسی آهنگ موسیقی غالبا غیر محسوس است زیرا ادوات استفهام بواسطه کلمات مخصوصی وجود دارند و استفهام مشروط و منوط بهنگ نیست و خود کلمات مبین استفهام هستند. مثال (Did you speak about tit?) (آیا شما راجع آن چیزی گفتید؟) که میتوانیم آن را با خط مستقیم نشان بدهیم.

چون آهنگ موسیقی همواره مبین احساسات و عواطف نسبت شدید است لذا استعمال آن بین اطفال و طبقه نسوان بیشتر است و ممکن است در یک جمله چند کلمه آن را با آهنگ بیان کنند (مثلا در موقع اظهار مسرت — گله گذاری — نوحه و امثال آن).

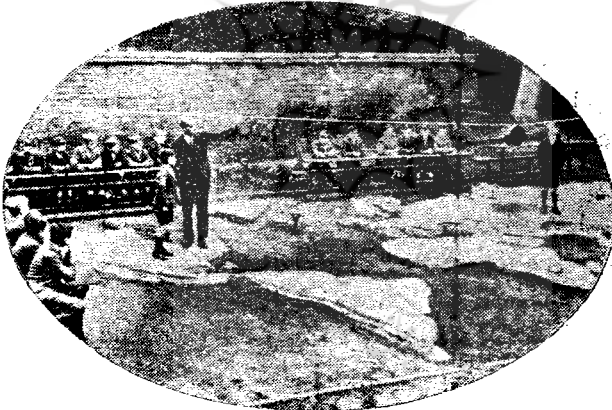
باید دانست که آهنگ موسیقی مانند آهنگ لفظی و منطقی ثابت نبوده و قانون معینی ندارد و بواسطه اختلاف ذوقها و احساسات و امیال ممکن است در جمله از یک کلمه بکلمه دیگر انتقال یابد. آهنگ لفظی و منطقی حتمی و ضروری و آهنگ موسیقی تقریبا اختیاری است و گاهی هم بکلی از آن صرف نظر میشود!

تحقیقات علمای علم زبان ثابت نموده که در زبانهای قدیم مانند سانسکریت و

یونانی قدیم بجای آهنگ منطقی آهنگ موسیقی استعمال میشده حتی اغلب این آهنگ قائم مقام آهنگ لفظی هم میگردد. بنا بر این تکلم در این زبانها یک نوع آوازه خوانی بوده است. زبان لائن هم ظاهر آهنگ موسیقی داشته و رفته رفته باهنگ لفظی تبدیل یافته است.

زبانهای وحشیان نیز دارای آهنگ موسیقی میباشد. از ایزرو میتوانیم بگوئیم اگر اقوام هند و اروپائی يك وقتی زبان واحدی داشته اند آن زبان دارای آهنگ موسیقی بوده است و رفته رفته بنا بر قانون سیر تکاملی مبدل باهنگ لفظی گردیده است، زیرا آهنگ موسیقی بیشتر اسباب زحمت آلات تنفس و اتلاف وقت میشود، همچنانکه اصوات ثقیل (مانند g-l-l) ت - ذ - ض و غیره) رو بتحلیل رفته و متدرجاً زبان منقح میگردد. همینطور آهنگ موسیقی رفته رفته باهنگ لفظی تبدیل یافته و میباید. در لهجه اهالی کاشان آثار آهنگ موسیقی تا کنون هم محسوس است.

## تعلیم جغرافیا بوسیله نقشه سنگی در هوای آزاد



شاگردان مدرسه ابتدائی هنتینگ دنشیر «Huntingdonshire» در انگلستان منظره زمین را از روی يك نقشه کلی می آموزند که از سنگ ساخته شده و در فضای بیرون مدرسه گذاشته شده است. این نقشه سنگی با دقت تمام از روی مقیاس صحیح ترسیم یافته و عرض و طول آن ۲۴ قدم در ۳۶ قدم است (۸ ذرع در ۱۲ ذرع) جعبه حلبی که بر ریسمانی آویزان است خورشید و حرکت ظاهری آن را بدور زمین مجسم میدارد. همچنین زاویه شعاع خورشید را که باقتضای فصول تغییر می یابد بدین وسیله نشان میدهند. اعضاء کلاس باین طریق عملی و آسان موقع قطعاعات عالم را فرامیگیرند.